

حسن عاقبت

از منظر آیات و روایات

سعید رضا ابراهیم *

چکیده

آدمی، موجودی است الهی که خالق مهربانش او را صاحب اختیار و توانمند خلق نموده است تا به سرسبزترین مقصودها و سرنوشت‌ها دست یابد. در این مسیر به طرق مختلف او را هدایت نموده است. مکتب‌های بشری و مادی و به ویژه تفکرات عرفانی عصر حاضر، گاه انسان را فاقد اراده و رأی در سرنوشت خود می‌شناسند، و او را محکوم به تحمل سرنوشت از پیش تعیین شده می‌دانند، و یا او را از هر گونه ساختار و نظام تربیتی آزاد می‌سازد. و در همین راستا انسان را به دیار سرگرمی و سرگشتگی می‌کشانند.

اما آیات و روایات اسلامی بر این باور است؛ زمانی که انگیزه‌ها و رفتارهای افراد رنگ و بوی الهی به خود گیرد و بدانند این جهان دارای نظام قانونمند است و خداوند مدیر و مدبر، مجموعه جهان آفرینش را به گونه‌ای خلق نموده است که کوچک‌ترین اعمال و تفکر او در رقم زدن سرنوشت و آینده‌اش دخیل است، بنابر این او بیش از پیش مقید به انجام خیر و صالح می‌نماید، به دین وسیله در سایه این

کردار شایسته انسانی، هم روح او پرورش یافته و هم به کرامت حقیقی دست می‌یابد، و از پوچی و لاقیدی نجات پیدا می‌کند. مسأله عاقبت‌اندیشی و عاقبت به خیری، حقیقتی است که در همه جا و همه حال تمام انسان‌ها با آن در ارتباط و به دریافت معنی و حقیقت آن محتاج‌اند.

عاقبت به خیر شدن و دست‌یابی به رضای الهی نیازمند ابزار و عواملی است که قرآن کریم آن را در دو طریق مشخص، معرفی نموده است: ۱. اعتقادات صحیح ۲. اعمال صالح. و دیگر این که آثار و ره‌آورد حسن عاقبت، دستیابی سعادت و نتیجه سوء عاقبت در منجلا ب شقاوت فرو رفتن است. و این آثار هم در دنیا و هم در آخرت مظاهری دارد. اما اصل و حقیقت آن در جهان باقی رقم می‌خورد و ملاک تشخیص آن به دست بشر نیست. و این ترازوی عدل الهی است که بر اساس رفتار و عملکرد وی، تشخیص می‌دهد که مستحق چه سرنوشتی خواهد بود.

کلیدواژه: حسن، سوء، حسن عاقبت، سوء عاقبت، سعادت، شقاوت، فوز، فلاح.

مقدمه

میل به جاودانگی در وجود همه انسان‌ها موج می‌زند، هر خردمندی آرزومند است، سرانجام زندگی‌اش مملو از امنیت، شادی و آرامش باشد. تأمین امنیت فردی، عدالت محوری، تأمین امنیت عمومی جامعه، پیشرفت، امید، کار، کوشش، نوع دوستی از حداقل آرمان‌های بشریت است که در طول زندگی برای حصول آن تلاش می‌نماید.

اما در اعتقادات مسلمانان عاقبت به خیری معنای خاصی دارد، که با دیدگاه‌های مادی و الحادی کاملاً متفاوت است.

حسن عاقبت به معنای سرانجام نیکو و عاقبت به خیری است، یعنی: انسان در طول عمر خود به گونه‌ای زندگی کند که صفحات دفتر عمرش نورانی و درخشان باشد و به هنگام مرگ دارای ایمان و تسلیم امر الهی باشد و در حالی به سرای باقی برود که پروردگارش از او راضی و خشنود است.

ملاک حسن عاقبت، پایبندی به عوامل حسن عاقبت در جنبه‌های نظری و عملی تا

آخرین لحظه عمر است. در واقع عوامل و اسباب عمده حسن عاقبت را می‌توان به دو قسمت کلی: اعتقادات صحیح از ایمان به توحید، عدل، نبوت، امامت؛ و اعمال صالح از قبیل نماز، روزه، توبه، امر به معروف و نهی از منکر و... تقسیم نمود؛ یعنی: خود را ملزم به انجام دستورات الهی نماید در حالی که رنگ و بوی اخلاص آن را فرا گرفته باشد.

در میان آیاتی که به مسأله حسن عاقبت و سرانجام نیکو پرداخته‌اند نکات ظریف و قابل توجهی وجود دارد که گروهی از آنها به عوامل و اسباب عاقبت به خیری می‌پردازد.^۱ و دسته دیگر با آثار و تبعات سرانجام نیکو در سرای باقی و دنیا توجه دارد.^۲ و بعضی از آیات به معرفی اشخاص و نامبردن آنها پرداخته است «متقین، صابرين، اولوالالباب، مؤمنین و...»^۳ که از رضوان الهی سرانجام و آتیه‌ای نیکو در بهشت الهی بهره‌مند خواهند شد.

و نیز در میان روایات بخشی از آنها در ذیل آیات مربوط به حسن عاقبت وارد شده و بخشی دیگر از روایات به صورت مستقل به مسأله حسن عاقبت پرداخته است و عوامل و موانع آن را یادآور شده است، و تصویر دقیقی از معانی واقعی آن ترسیم نموده است.

حاصل آن که حسن عاقبت در دنیا نیز مصادیقی دارد از قبیل توفیق علم آموزی، فزونی نعمت و برکت در زندگی که به خاطر ایمان و تقوی الهی نصیب افراد می‌شود. و یا فرزند نیکو، همسر سازگار، همنشین شایسته، پاک بودن دل از کینه و حسادت و دوری از لذات زودگذر دنیا و ولایت امیر المؤمنین^(ع) از نعمت‌های خاص الهی است که شامل حال انسان‌ها می‌گردد، ولیکن آنچه مسلم است حسن عاقبت همان سعادت اخروی است که رضوان الهی، و بهره‌مندی از بهشت برین و نعمت‌های بی‌نظیر آن و انواع لذات جسمانی و روحانی از جمله ملاقات با اولیای الهی و بهره‌مندی از شفاعت شافعان جنت و جاودانگی همه این نعمات ثمره آن می‌باشد که سبب آمرزش و مغفرت الهی و پذیرفته شدن اعمال صالح فرد از سوی خداوند است.

مفهوم شناسی

حسن در لغت: الحسن: نقيض القبح، و الجمع محاسن علی غیر قیاس؛^۴ الحسن نعت لما حسن حسن و حسن یحسن حسناً فیهما، فهو حاسن؛^۵ حسن در لغت به وزن

قُفْل و به معنای نیکویی و زیبایی است؛^۶ در قرآن کریم حُسن به دو معنای نیکویی و زیبایی آمده است؛^۷ حُسن به معنای نیکویی عاقبت است که آن را نصرت الهی و یا شهادت رقم می‌زنند؛^۸ حُسن را عبارت از هر چیزی که باعث ابتهاج و سرور شود. و سه جهت برای ابتهاج وجود دارد. - از لحاظ عقل، هوی و هوس، زیبایی -.^۹

عاقبت در لغت: عقب: عَقَبَ كُلَّ شَيْءٍ، و عَقَبَهُ، و عاقبته، و عاقبه، و عَقَبْتَهُ، و عَقْبَاهُ، و عَقْبَانُهُ؛^{۱۰} عقب: به معنای نسل و دنباله آمده است؛^{۱۱} عَقَبَ و عَقِبِي: بروزن قُفْل و کبری به معنای پسین و سرانجام، گاهی سوء عاقبت آمده و گاهی حسن عاقبت است؛^{۱۲} عَقَبِي الدَّارَ: عاقبت دنیا، منظور آخرت است.^{۱۳}

حسن عاقبت در اصطلاح: به معنای سرانجام نیکو، خیر و خوب است، در اصطلاح قرآنی منظور جایگاه اخروی نیکو، پسین خیر، عاقبت به خیری، فرجام خوب، دخول در بهشت و رضوان الهی،^{۱۴} در واقع طبق آیات و روایات، خوشبختی حقیقی و حسن عاقبت این است که کار انسان به خوشبختی و حسن عاقبت بینجامد.^{۱۵}

متضاد و نقیض حسن عاقبت: سوء عاقبت: به معنای سرانجام زشت، شر و بد است، و در اصطلاح قرآنی منظور جایگاه اخروی بد، پسین شر، عاقبت به شری،^{۱۶} دخول در جهنم است.^{۱۷}

مترادف‌های حسن عاقبت: فتح: پیروزی و رهایی از ستمگران^{۱۸}؛ فلاح: رستگاری و نجات در دنیا و آخرت به سبب پیروی از دستورات عقل و دین؛^{۱۹} فوز: نجات و رستگاری^{۲۰}، رسیدن به خیر، نجات از جهنم.^{۲۱}

توجیه فلسفی و علمی حسن عاقبت و سوء عاقبت

صدر المتألهین و جمعی دیگر از فلاسفه و عرفای اسلامی در مورد تجسم اعمال و رقم خوردن عاقبت انسان‌ها، این طور اظهار می‌کنند که: اخلاق زشت و زیبا و اعتقادات درست و نادرست و نیت‌های پاک و ناپاک از راه تکرار و عمل، حالتی در نفس آدمی پدید می‌آورد که در آخرت همان حالات و کلمات به صورت جسمانی مناسب آشکار شده، مایه لذت و رنج، پاداش و کیفر او می‌گردد.

مثلاً حب دنیا و شهوات آن که اغراض نفسانی هستند به شکل مار و عقربی گزنده، آشکار می گردند.^{۲۲} و تلاوت قرآن، به صورت زیبا و همنشینی نیکو می شود. و غیبت، به صورت خوردن گوشت برادر مرده در آید و... «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (الحديد، ۱۲/۵۷)؛ روزی که می بینی مردان و زنان با ایمان را که نورشان پیشاپیش آنان و دست راستشان در حرکت است، بشارت باد به شما که امروز در بهشت هایی که نهرها در آن جاری است، جاودانه خواهید بود و این رستگاری بزرگ است.

و این نور مصداق روشنی برای تجسم اعمال می باشد: «وَإِذَا الْجَنَّةُ أُرْلِفَتْ ﴿عَلِمْتُ نَفْسٌ مَا أُخْضِرْتُ﴾ (التکویر، ۱۳/۸۱ و ۱۴)؛ آن زمان که بهشت نزدیک آورده شود، هر کس آنچه را که حاضر کرده است خواهد دانست.

و نیز برای اثبات این که اعمال انسان عاقبت او را رقم می زنند، می توان از اصول مسلم «فیزیک» امروز استفاده کرد، زیرا از نظر علم فیزیک مسلم است که ماده و نیرو دو مظهر از یک حقیقت هستند. و ماده، انرژی متراکم و فشرده است که در شرایط معینی به نیرو مبدل می گردد، گاهی انرژی نهفته در یک گرم ماده، معادل با قدرت انفجار سی هزار تن دینامیت است.

ماده و انرژی، جلوه هایی از یک حقیقت هستند و با توجه به عدم فنای انرژی و ماده هرگز مانعی وجود ندارد که نیروها و انرژی های پخش شده، بار دیگر به حالت تراکم در آیند و حالت جرمی و جسمی به خود بگیرند. به همین منوال نیروهایی که در راه اصلاح و درستکاری یا در راه جور و ستم به کار برده شده اند، به حالت فشرده در آیند و به صورت جسمانی خاص در روز رستاخیز مجسم گردند. بنابراین اگر اعمال خوب و نیک باشند به صورت نعمت های الهی و زیبایی های مادی، و اگر اعمال بد و شر باشند در شکل وسایل شکنجه و عذاب مجسم گردند.^{۲۳} و این قانون در حقیقت اولین ندای انکار فنای اعمال و اعلام ابدیت به زبان بشر است. و اثبات اصلی بقای انرژی به وسیله دانشمند فرانسوی به نام «برتلو» و توضیح این حقیقت که ماده و انرژی در واقع یک چیزند و در دو شکل جلوه می کنند به وسیله انیشتن جاودانه شده است.^{۲۴} و با استناد به این دو اصل: ۱. تجسم

اعمال ۲. اصل بقای ماده و انرژی. می توان ثابت کرد، انسان ها به اختیار خود، توسط اعمال و کردارشان سرنوشت و آینده شان را رقم می زنند و در دنیا و آخرت بازتاب کردارشان را خواهند دید. اما تنها اکتفا کردن به علوم بشری برای اثبات موضوع مطروحه کافی نیست و باید به کلام الهی و وحی رجوع کرد تا حقیقت و جزئیات این امر برای ما احراز گردد.

ماهیت و انواع عاقبت

در قرآن کریم و روایات معصومین^(ع) و ادعیه آن بزرگواران پس از بیان وقوع حتمی واقعه قیامت و اثبات معاد، مسأله عاقبت برای انسان مفروغ عنه و اصل موضوعی قرار گرفته است و بر همین اساس، گروهی دارای حسن عاقبت و گروهی دارای سوء عاقبت دانسته شده اند. این افراد در یک تقسیم به چهار گروه تقسیم شده اند: ۱. کسانی که از ابتدا تا انتهای زندگی در صراط مستقیم و مسیر درست حرکت کرده اند. ۲. کسانی که از ابتدا تا انتهای زندگی در مسیر گمراهی و ضلالت حرکت کرده اند. ۳. کسانی که در ابتدای زندگی در مسیر ضلالت بوده اند و سپس هدایت یافته و در صراط مستقیم و مسیر درست حرکت کرده اند. ۴. کسانی که در ابتدای زندگی در مسیر هدایت بوده و سپس در مسیر ضلالت و گمراهی گام برداشتند. گروه اول: گروه اول، که دائماً در مسیر رشد و صراط مستقیم حرکت کرده اند، انبیاء، ائمه اطهار^(ع) و اولیای الهی هستند، که در حقیقت حسن عاقبت به معنای تام و مصداق بارز برای آنها قابل تصور است. «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ» (الروم، ۳۰/۱۵)؛ پس آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند، ایشان در باغی شادمان هستند. گروه دوم: این گروه تمام زندگانی خود را از اول تا به آخر در گمراهی و ضلالت سپری کرده اند و مصداق بارز افراد بدبخت و شقی بوده و دچار سوء عاقبت شده اند.

حضرت عیسی^(ع) و حواریون از شهری عبور می کردند که دیدند، همگی آنها از بین رفته اند، حضرت عیسی^(ع) فرمود: «گویا آنان با عذاب الهی از دنیا رفته اند». حضرت یکی از آنها را به اذن الهی زنده کرد و از او علت عذاب الهی و سوء عاقبتشان را پرسید، او در جواب گفت: به چهار دلیل دچار سوء عاقبت و عذاب الهی گشتیم: اول: طاغوت را می پرستیدیم. دوم: آرزوهای دراز داشتیم. سوم: دلبستگی به دنیا داشتیم. چهارم: دچار

غفلت بودیم. ۲۵

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» (الحديد، ۱۹/۵۷)؛ آنان که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان یاران اصحاب دوزخ بزرگ هستند.

گروه سوم: بسیاری از انسان‌ها در طول تاریخ، در ابتدای زندگی به علت‌های گوناگونی چون جهل، اسارت شهوت، مرعوب شدن در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر، حکومت‌های ظالم و پیروی از نیاکان دچار ضلالت بوده‌اند، اما با مشاهده برخی از وقایع و حوادث یا تفکر و مطالعه و مانند آنها مسیر زندگی را تغییر داده و به سوی معنویت و صراط مستقیم حرکت کرده‌اند. تاریخ، نام و داستان بسیاری از این افراد را ثبت کرده است.

«إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (الفرقان، ۷۰/۲۵)؛ مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است.

گروه چهارم: کسانی هستند که در ابتدا در مسیر هدایت و صراط مستقیم بودند، اما به تدریج و گاهی یک‌باره از این مسیر خارج شده و در مسیر گمراهی و هدایت گام برداشته‌اند. به طور مثال: قرآن کریم در آیات متعددی از شیطان نام برده است. شیطان به تصریح قرآن کریم از جنیان است، اما مرتبه وجودی او چنان متقرب شد که با فرشتگان همگام شد و به فرمایش امیر مؤمنان علی^(ع) عبادت‌های طولانی داشته است. در نهج البلاغه می‌فرماید: «شیطان شش هزار سال عبادت کرده است که معلوم نیست اینها از سال‌های دنیوی بوده است یا از سال‌های اخروی». ۲۶

حسن عاقبت در قرآن کریم، روایات و ادعیه

قطعاً یکی از منابع مهم برای یافتن حسن عاقبت، قرآن کریم است؛ کتابی که خود را بیان‌کننده هر چیزی معرفی می‌کند: «وَتَزَلَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (النحل، ۸۹/۱۶)؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت، رحمت و بشارت برای مسلمانان است!

الف: حسن عاقبت در قرآن کریم: در قرآن کریم به وضوح مسأله حسن عاقبت مطرح

شده است. آیاتی از قرآن کریم به طور صریح و غیر صریح حسن عاقبت را مطرح کرده اند، و ما به هر دو دسته از آیات اشاره می‌نمائیم.

آیه اول: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (الرعد، ۲۲/۱۳)؛ آنان که به خاطر ذات - پاک - پروردگارشان شکیبایی می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند و در نهان و آشکار از آنچه به آنان روزی کردیم انفاق کردند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند، سرای آخرت خاص آنان است.

از عواملی که باعث حسن عاقبت یا به تعبیر قرآن «عُقْبَى الدَّارِ» که همان عاقبت به خیری است، می‌شود، صبر، اقامه نماز، انفاق، دفع بدی به خوبی است. سیوطی نیز در ذیل همین آیه، «عُقْبَى الدَّارِ» را به بهشت تفسیر کرده است. ۲۷

آیه دوم: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (الرعد، ۲۴/۱۳)؛ [فرشتگان می‌گویند] سلام بر شما، به خاطر صبوری که کردید چه نیکوست سرانجام آن سرا.

این آیه هم مانند آیه قبل سلام فرشتگان و عاقبت به خیری را معلول صبر می‌داند و مسأله عاقبت نیکو را به وضوح مطرح می‌کند. و اثر و پیامد این فضیلت را دست‌یابی به سلام و رحمت الهی و فرشتگانش می‌داند.

آیه سوم: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ» (الرعد، ۳۵/۱۳)؛ توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، - این است که - نه‌های آب از زیر درختانش جاری است، میوه آن همیشگی، و سایه‌اش دائمی است این سرانجام کسانی است که پرهیزگاری پیشه کردند و سرانجام کافران، آتش است!

عاقبت نیکو در آیه، همان ورود در بهشت برین است. و این به سبب پرهیزگاری و تقوای الهی پیشه کردن میسر می‌گردد.

آیه چهارم: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الاعراف، ۱۲۸/۷)؛ موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوئید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام - نیک - برای پرهیزکاران است!.

در این آیه نیز عاقبت نیکو مطرح است. و عامل اصلی آن تقوا، استعانت از خداوند و صبر پیشه کردن معرفی شده است.

آیه پنجم: «فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَضْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس، ۷۳/۱۰)؛ اما آنها او را تکذیب کردند! و ما، او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم و آنان را جانشین - و وارث کافران - قرار دادیم. و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم! پس بین عاقبت کار کسانی که انذار شدند - و به انذار الهی اهمیتی ندادند -، چگونه بود!

در این آیه و دو آیه قبل مسأله تکبیر قوم نوح مطرح است و به وضوح مسأله حسن و سوء عاقبت مطرح شده است که مومنین قوم نوح به جهت همراهی با فرستاده خدا به نجات و حسن عاقبت رسیدند. و تکذیب کنندگان و کافران به دلیل تکبیر و عدم تسلیم در برابر اوامر الهی دچار عذاب و سوء عاقبت گردیدند.

آیه ششم: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ» (لقمان، ۸/۳۱)؛ به درستی که برای کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند بهشت‌هایی پرنعمت و آسایش است. آیتی که در این فصل بیان شد، اولاً: به طور عمده علل و عوامل حسن عاقبت را بیان می‌فرماید. و ثانیاً: تصویری از حسن عاقبت و آثار دنیوی و اخروی آن برای ما معرفی می‌نماید. و بدین وسیله ضمن راهنمایی مسلمانان به سوی سرانجام نیکو برای آنها ایجاد انگیزه می‌نماید تا مشتاقانه به سوی ایمان و اعمال نیک بشتابند.

ب: حسن عاقبت و سوء عاقبت در روایات: در روایات معصومان^(ع) مسأله حسن و سوء عاقبت به پیروی از آیات قرآن کریم مطرح شده است. در این مسأله نیز روایات را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخشی از روایات در ذیل آیاتی مربوط به حسن عاقبت و سوء عاقبت وارد شده است و در حقیقت این بخش همان تفسیر روایی است که از دو کتاب تفسیر شیعی: ۱. البرهان فی تفسیر القرآن تألیف سیدهاشم بحرانی ۲. نورالثقلین تألیف محمد علی هویزی، می‌توان به عنوان مهمترین تفاسیر روایی یاد کرد. و البته از تفاسیر دیگر هم برای بیان روایات استفاده شده است.

بخشی دیگر از روایات به صورت مستقل به مسأله حسن یا سوء عاقبت پرداخته است.

و ائمه معصومین^(ع) در حقیقت به تشریح واقعیت و چیستی آن پرداخته‌اند و عوامل و موانع آن را یادآور شده‌اند. لذا این روایات در دو قسمت مطرح می‌شود:

قسمت اول: روایات تفسیری: باغ‌های بهشتی پاداش صبر:

۱. در ذیل آیه: «جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (الرعد، ۱۳/۲۳ و ۲۴)؛ همان - باغ‌های جاویدان بهشتی که وارد آن می‌شوند و هم چنین پدران و همسران و فرزندان صالح آنها و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند. سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتتان چه نیکوست سرانجام آن سرا - سرای جاودان - . در تفسیر نورالثقلین آمده است: فی کتاب جعفر بن محمد الدوریستی، باسناده الی ابی ذر رضی الله عنه عن النبی (ص): «و مانال الفوز فی القیامه الا الصابرون ان الله یقول: «إِنَّمَا يُؤَقِّی الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» قال: «والملائكة یَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»؛ پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «فوز و فلاح [عاقبت نیکو] نیست مگر برای صابران چنانچه خداوند می‌فرماید: «صابران اجرشان بی حساب است» و در جای دیگر می‌فرماید: «ملائکه برآنان [افرادی که حسن عاقبت دارند] از هر دری وارد می‌شوند و می‌گویند سلام بر شما به خاطر صبرتان پس عاقبت نیکو برای شماست»^{۲۸}.

۲. سرانجام ایمان و عمل صالح درخت طوبی و عاقبت به خیری است. در ذیل آیه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَبِ» (الرعد، ۱۳/۲۹)؛ آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین - زندگی - نصییشان است و بهترین سرانجام‌ها! . در تفسیر البرهان آمده است: منظور از طوبی درختی است که خداوند آن را غرس کرده است.^{۲۹} و پس از بیان این مطلب چندین روایت بیان می‌کند که درخت طوبی در بهشت در حجره و محل سکونت امیر المؤمنین^(ع) است و شاخ و برگ‌های آن به اطراف و خانه بهشتیان رفته است.

۳. عاقبت به خیران صابران و بر پا کنندگان نماز، انفاق کنندگان و بخشندگان هستند. در ذیل آیه: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (الرعد، ۱۳/۲۲)؛ در تفسیر نورالثقلین آمده

است: عن رجل عن ابی عبداللہ (ع): «سلام علیکم بما صبرتم» «علی الفقر فی الدنیا» «فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» قال: «یعنی: الشهدا»^{۳۰}؛ به فرمایش امام صادق (ع) مراد از عاقبت به خیران و نیکوکاران شهدا هستند.

قسمت دوم: روایات مستقل: این دسته از روایات که به مسأله حسن و سوء عاقبت پرداخته اند، در حقیقت انسان‌ها را متوجه عاقبت اندیشی می‌نماید. و متعاقباً بیان می‌فرماید: آنچه مهم است نتیجه و حاصل امر است.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «خَيْرَ الْأُمُورِ خَيْرُهَا عَاقِبَةٌ»^{۳۱}؛ بهترین امور، بهترین آنها از لحاظ عاقبت است.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَلَكَ الْعَمَلِ خَوَاتِيمُهُ»^{۳۲}؛ ملاک عمل خاتمه - عاقبت - آن است.
۳. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «الدُّنْيَا كُلُّهَا جَهْلٌ إِلَّا مَوَاضِعَ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ كُلُّهُ حِجَّةٌ إِلَّا مَا عَمِلَ بِهِ وَالْعَمَلُ كُلُّهُ رِيَاءٌ إِلَّا مَا كَانَ مَخْلَصاً وَالْإِخْلَاصُ عَلَى خَطَرٍ حَتَّى يَنْظُرَ الْعَبْدُ بِمَا يَخْتَمُ لَهُ»^{۳۳}؛ امور دنیایی همگی جهل است، غیر از مواضع علم و علم حجت بر انسان است، غیر آنچه عمل کرده است و هر عمل ریا است، غیر آنچه با اخلاص باشد و اخلاص بر خطر است تا این که انسان عاقبت به خیر شود.

۴. رسول اکرم (ص) لا علیکم ان تعجبوا بأحد حتی تنظروا بما یختم له فان العامل یعمل زماناً من عمره أو برهة من دهره بعمل صالح لو مات علیه دخل الجنة ثم یتحول فیعمل سئياً؛^{۳۴} تا عاقبت کار کسی بر شما معلوم نشده از - اعمال خوب - او به شگفت نیاید. چه آن که آدمی زمانی دراز از عمر خود یا برهه ای از روزگارش را کارهای شایسته می‌کند که اگر با همان وضع بمیرد به بهشت می‌رود. اما ناگهان تغییر می‌کند و کارهای ناشایست انجام می‌دهد.

و روایت آخر دال بر این است که ملاک حسن عاقبت تشخیص فرد و یا انسان‌ها نیست، بلکه خداوند با توجه به اعمالشان آنها را مستحق عذاب و یا نعمت می‌داند. «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^{۳۵} «وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يُرَى» (النجم، ۳۹/۵۳ و ۴۰).

ج: حسن عاقبت و سوء عاقبت در ادعیه: در زمینه بحث و موضوع تحقیق ما ادعیه و فرازهای فراوانی از ائمه معصومین (ع) موجود است. اما همان طور که گذشت اصل مسأله

وجود معاد و عاقبت خیر و شر محل سخن نیست. بلکه درخواست حسن عاقبت و نیکبختی و پناه از بد عاقبتی و سوء عاقبت، مورد درخواست ائمه اطهار(ع) بوده است. در شمارگانی از ادعیه معصومین(ع) درخواست حسن عاقبت و ترس از سوء عاقبت مطرح می شود:

۱. پیامبر اکرم(ص): «اللهم توفنا مسلمین و احيينا مسلمین و الحقنا بالصالحين»^{۳۵}؛ خدایا ما را تسلیم محض اوامرت بمیران و تسلیم محض اوامرت زنده بدار و به نیکوکاران ما را محلق نما.

۲. امیر مؤمنان علی(ع): «الهی أَللنار ربّتی امی فلیتها لم تربّنی ام للشقاء و لدتی فلیتها لم تلدنی»^{۳۶}؛ پروردگارا آیا مادرم مرا برای آتش - دوزخ - پروریده؟ پس - در این صورت - کاش مرا نپرورانده بود. و آیا برای شقاوت و بدبختی مرا زاییده؟ پس ای کاش مرا نزائیده بود.

۳. امام حسین(ع) در دعای قنوت می فرمودند: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و اسمع ندائی و أجب دعائی و اجعل مابی عندک و مثوای»^{۳۷}؛ خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و صدایم را بشنو و دعایم را مستجاب گردان و جایگاه و مکانم را در نزدت قرار ده.

۴. امام سجاد(ع) می فرمایند: «و اختم لنا بالتی هی احمد عاقبة، و اکرم مصیراً»^{۳۸}؛ و کارها را به راهی که عاقبتش پسندیده تر و مرجع و بازگشتش گرامی تر است به پایان رسان.

۵. امام رضا(ع) می فرمایند: «اللهم فاستجب دعائی و اقبل ثنائی و اعطنی رجائی و اجمع بینی و بین اولیائی بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم السلام إنک ولی نعمائی و منتهی رجائی و غایة منای فی منقلبی و مثوای»^{۳۹}؛ خدایا دعایم را مستجاب گردان و ثناگویی مرا بپذیر و امیدواری عنایتم کن و بین من و اولیایم جمع گردان به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین(ع) به درستی که تو ولی نعمت من و منتهای امیدم و نهایت آرزویم در جایگاه آخرت و نهایت کارم هستی.

عوامل و موانع حسن عاقبت

انسان در طول عمر خود ممکن است دگرگونی های فراوانی پیدا کند مسلماً صفحات آخر زندگانی او، از همه سرنوشت سازتر است. حضرت یوسف (ع) از خداوند می خواهد: «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِنِّي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف، ۱۰۱/۱۲)؛ مرا تا پایان عمر تسلیم خود گردان و مرا به شایستگان ملحق کن. از این آیه به خوبی در می یابیم ضامن حسن عاقبت و سعادت افراد، ایمان و عمل صالح و تسلیم باقی ماندن آنها تا آخرین لحظه عمر می باشد. ۴۰

«لَكِنَّ الرِّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأَوْلِيَّكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ» (التوبة، ۸۸/۹)؛ ولیکن پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جان هایشان جهاد کردند و همه نیکی ها برای آنهاست و آنها همان رستگارانند.

ایمان که رمز ورود به جرگه مسلمین است در واقع همان اعتقاد صحیح به اصول دین «توحید، معاد، امامت، نبوت، عدل» می باشد، که هر انسانی باید به صورت دقیق و اعتقادی آن را بررسی نماید و حقیقت آن را در یابد لذا عقیده زبانی و بدون تحقیق و فاقد تعیین قلبی موجب رستگاری انسان نمی باشد. و اصولاً میوه درخت ایمان، عمل صالح است و اسلام را نباید در چند عقیده و عبادت کم روح خلاصه نمود، بلکه در تمام اعمال و رفتار روزمره ما بایستی حقیقت اسلام جاری باشد تا به سر منزل مقصود رسیده و از زمره هدایت یافتگان باشیم. «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (البقرة، ۵/۲)؛ آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند.

مصادیق اعمال صالح شامل نماز، روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر انفاق، زکات، خمس، تولی و تبری و... می باشد که لازمه پذیرفته شدن این اعمال از سوی پروردگار متعال تقوا و اخلاص معرفی شده است. «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (المائدة، ۲۷/۵)؛ خدا فقط از تقوا پیشگان می پذیرد.

و آیه: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (التغابن، ۱۶/۶۴)؛ پس تا می توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خویشتن

مصون بمانند رستگارانند. و آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (المؤمنون، ۱/۲۳)؛ مؤمنان رستگار شدند. و در مقابل، پیروی از عقاید باطل و دنیاپرستی و پیروی از هوای نفس از عوامل سوء عاقبت و یا موانع حسن عاقبت می باشد.

پیروی از شیطان و پرداختن به گناهان هر چند همراه با اعتقاد به دین باشد سرنوشت انسان را به هلاکت می کشاند چه رسد به ظلم و عناد و مبارزه با اصول و حقایق دینی و دستورات دین خدا و ائمه که انسان را در زمره منافقین و کفار قرار می دهد و سرنوشتی جز عذاب و آتش الهی دامنگیرش نمی شود.

کتب الصادق(ع) إلى بعض الناس: «إن أردت أن يختم بخير عملك حتى تقبض و أنت في أفضل الأعمال فعظم لله حقه أن تبذل نعماءه في معاصيه و ان تغتر بحلمه عنك و أكرم كل من وجدته يذكر منا او يتحل مودتنا»^{۴۱}؛ امام صادق(ع) در نامه ای به یکی از مردم: اگر می خواهی که عملت ختم به خیر شود و در هنگام مردن با بهترین اعمال بمیری، حق خدا را پاس دار، بدین گونه که نعمت هایش را در راه معصیت صرف نکن و به سبب بردباری که نسبت به تو نشان می دهد، دچار غرور و غفلت نشو و هر کس را که دیدی از ما به نیکی یاد می کند و یا این که دم از محبت ما می زند گرامی بدار.

«وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عَقَّبَى الدَّارَ» (الرعد، ۴۲/۱۳)؛ پیش از آنان نیز کسانی طرح ها و نقشه ها کشیدند ولی تمام طرح ها و نقشه ها از آن خداست! او از کار هر کس آگاه است و به زودی کفار می دانند سرانجام- نیک و بد- در سرای دیگر از آن کیست. کفار به بیان قرآن توهم می کنند که سعادت و شقاوت در همین دنیا است؛ درحالی که خداوند می فرماید سعادت- عاقبت به خیری- و شقاوت- عاقبت به شری- در سرای دیگر است.

از مصادیق عوامل سوء عاقبت: سخن چینی، غیبت، حسد، ترک نماز و عبادت، عاق والدین، مسخره کردن، ظلم، پیروی از هوی نفس، عناد، اسراف و تبذیر و... می باشد که در کتب اخلاقی به همه آنها پرداخته شده است و در توان مقاله حاضر پرداختن به تک تک آنها نمی باشد. لذا شما خواننده گرامی را به کتاب های مربوطه ارجاع می دهیم.

آثار و ره آورد حسن عاقبت

انسان همواره آگاهانه و یا ناخودآگاه در پی کسب رضایت درون و شادی پایدار است. و برای رسیدن به این هدف به انواع تلاش و کوشش دست می زند. و سعادت و خوشبختی واقعی انسان ها در رسیدن به آرامش واقعی است که تنها در جوار و قرب خداوند حاصل خواهد شد. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (الفتح، ۴۸/۴)؛ هموست که آرامش را در دل های مؤمنان جای داد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزاید.

انسانی که در مسیر تکامل و هماهنگی با قوانین هستی حرکت می کند، با برخوردای از نعمت صبر، ایمان و توکل، شکر منعم، اعمال صالح به بالاترین سطح سعادت و خوش بختی یعنی شادی و بهجت درونی پایدار دست می یابد و در پناه این تربیت دینی به حسن عاقبت و فرجام نیکو خواهد رسید. ۴۲

«رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (المائدة، ۱۱۹/۵)؛ خدا از بهشتیان راضی است و آنان از خداوند، و این رستگاری بزرگی است. در این آیه مبارکه خداوند بالاترین لذت و رستگاری را در رضایت الهی می داند که انسان را به آرامش واقعی و قله های سعادت می رساند. در قرآن کریم خوشبختان حقیقی همان کسانی معرفی شده اند که در بهشت برین، جاویدان هستند. «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَيَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ» (هود، ۱۰۸/۱۱)؛ اما آنها که خوشبخت و سعادت مند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند، تا آسمان ها و زمین برپاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی.

در روایات نیز خوشبختی حقیقی را چنین معرفی می نماید: امام علی (ع) می فرماید: «إِنَّ حَقِيقَةَ السَّعَادَةِ أَنْ يَخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالسَّعَادَةِ وَ أَنْ حَقِيقَةُ الشَّقَاءِ أَنْ يَخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالشَّقَاءِ» ۴۳؛ خوشبختی حقیقی این است که کار انسان به خوشبختی بینجامد و بدبختی حقیقی این است که کار آدمی به بدبختی ختم شود.

حال در اینجا باید بررسی نمود وقتی ادعا می کنیم آثار عاقبت رسیدن به سعادت است آیا مصداق سعادت در دنیا منظور ما است و یا در سرای آخرت؟ نباید فراموش کرد زندگی

دنیا حقیقتی انکارناپذیر است، بنابراین در آیات و احادیث بی شماری اشاره به سعادت هم در دنیا و هم در آخرت را نموده است که در اینجا به بررسی آنها می پردازیم.

آثار دنیوی: از آیات مختلف قرآن، این نکته به خوبی استفاده می شود که ایمان، تقوا و عدالت مایه آبادی جامعه ها؛ و دست یابی به نعمت های دنیوی و کفر، ظلم و گناه مایه ویرانی است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (الأعراف، ۹۶/۷)؛ اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند درهای برکات آسمان و زمین را به روی آنها می گشایم.

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْضِهِمْ» (المائدة، ۶۶/۵)؛ اگر آنها تورات و انجیل و آنچه از طرف پروردگارشان بر آنها نازل شده است بر پا دارند، از آسمان و زمین روزی خواهند خورد.

این رابطه تنها رابطه معنوی نیست بلکه علاوه بر رابطه معنوی که آثارش را به خوبی می بینیم رابطه مادی روشنی نیز در این زمینه وجود دارد. «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿۱﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿۲﴾ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح، ۱۰/۷۱-۱۲)؛ به آنها گفتم از پروردگار خویش آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است؛ تا باران های پر برکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد؛ و شما را با اموال و فرزندان امداد کند، و باغ های سرسبز و نهادهای جاری در اختیاران قرار دهد.

به این ترتیب حضرت نوح (ع) به قوم لجوج خود می فرماید: یک نعمت بزرگ معنوی، و پنج نعمت بزرگ مادی از آثار ایمان و عمل صالح آنها است، نعمت بزرگ بخشودگی گناهان و پاک شدن از پلیدی کفر و عصیان. اما نعمت های مادی: ریزش باران های مفید و به موقع و پر برکت، فزونی اموال، فزونی باغ های پر برکت رودخانه ها و جویبار. آری ایمان و تقوی طبق گواهی قرآن مجید هم موجب آبادی دنیا و هم آخرت است.

حقیقت این است که مجازات بسیاری از گناهان محرومیت هایی در این جهان است و هنگامی که انسان از آن توبه کند و راه پاک و تقوی را پیش می گیرد خداوند این مجازات را از او بر طرف می سازد. ۴۴

در بررسی گروهی از آیات و روایات در می یابیم که اشاراتی به نعمت ها و مصادیق

خوشبختی و سعادت نموده اند که نشان دهنده این است که بر خلاف نظر گروهی که تصور می کنند رابطه دنیا و آخرت یک رابطه معکوس است، یعنی: تنها کسانی از سعادت اخروی برخوردار خواهند بود که از نعمت های دنیوی محروم باشند و بالعکس، بسیاری از نعمت های مادی و دنیوی اگر درست و در راه رضای خداوند مصرف گردد زمینه ساز دست یابی به عاقبت نیکو در جهان ابدی خواهد بود. چنان که بسیاری از انبیاء و اولیاء این گونه بودند؛ یعنی: در عین حالی که از نعمت های فراوان بهره مند بودند از سعادت مندان آخرت نیز به شمار می آیند؛ مانند: حضرت داود(ع) و سلیمان(ع) و... و از اینجا نتیجه می گیریم که آنچه مذموم است دنیاپرستی است که انبیاء نداشته اند، نه بهره مندی از نعمت های دنیا برای خدمت به دین خدا و مردم و آباد ساختن سرای آخرت. ۴۵

امام علی(ع) می فرماید: «أسعد الناس من ترك لذة فانية للذة باقية» ۴۶؛ خوشبخت ترین مردم کسی است که لذت گذرا را به خاطر لذت ماندگار ترک کند.

در فصل های گذشته که به بررسی زمینه ها و عوامل حسن عاقبت پرداختیم، اشاره نمودیم که این اعمال و رفتار ماست که سرنوشت مان را تعیین می نماید در واقع جهان آخرت چیزی جز تجسم اعمال دنیوی ما نیست، یعنی: انسان با اعمال اختیاری خویش در دو جهت مثبت و منفی، بهشت و جهنم خود را می سازد. و در احادیث تأکید به فتح قله های سعادت در پرتو اطاعت از فرامین پروردگار رئوف عالمیان شده است.

روایت اول: امام علی(ع) می فرماید: «إن أسعد الناس في الدنيا من عدل عما يعرف ضره وإن أشقاهم من أتبع هواه» ۴۷؛ خوشبخت ترین مردم دنیا کسی است که از آنچه می داند برایش ضرر دارد دوری کند و بدبخت ترین آنها کسی است که از هوای نفس خود پیروی کند.

روایت دوم: علی(ع) می فرماید: «من اجهد نفسه في اصلاحها سعد. من اهمل نفسه في لذاتها شقي و بعد» ۴۸؛ هر که نفس خود را در راه اصلاح آن به رنج افکند خوشبخت شود و هر که آن را با لذت هایش واگذارد بدبخت گردد و - از درگاه حق دور شود -.

این دسته از روایات به این اشاره دارد که کسب فضایل اخلاقی و در پی انجام اعمال صالح بودن، نه تنها در دنیا انسان را به آرامش و قرب و رضای الهی می رساند، بلکه او را از هدفمندی و برنامه ریزی در این روزگار سردرگمی بهره مند می سازد و زمینه ساز رسیدن به

سعادت و خوشبختی اخروی نیز می شود.

از آنچه تا کنون گفته شد در می یابیم که سعادت انسان در گرو ایمان و عمل صالح است تا هم به حیات طیبه از دنیا برسد و هم در سرای باقی به خوشبختی دست یابد. اما ایمان در حقیقت از نوعی بینش و دانش مایه می گیرد که انسان را پایند به ارزش ها می کند. هر چه علم و دانش و معرفت انسان به حقایق عالم قوی تر باشد ایمان او قوی تر می شود و در نتیجه اعمال شایسته بیشتری انجام خواهد داد که میوه و ثمره این درخت ایمان، سعادت ابدی خواهد بود. ۴۹

برخی روایات تأکید فراوانی بر ارتباط تنگاتنگ تحصیل علم و عمل به آن، با سعادت دارند از جمله:

امام علی (ع) می فرماید: «اعملوا بالعلم تسعدوا»؛^{۵۰} به علم عمل کنید تا خوشبخت گردید.

امام صادق (ع) می فرماید: «لاینبغی لمن لم یکن عالماً أن یعدَّ سعیداً»؛^{۵۱} کسی که عالم نباشد سزاوار نیست که خوشبخت شمرده شود.

چرا که این علم واقعی است، که به شرط عمل انسان را از خطا و اشتباه بری می کند و او را به سر منزل مقصود می رساند. در واقع این علم گمشده انسان است که در هر دوره به نحوی به دنبال آن سرگردان است.

و سرانجام از دیگر آثار دنیوی سعادت که منجر به حسن عاقبت می گردد این است که خداوند محبت امامت و ولایت را در دل انسان می اندازد تا از سرایشی های دنیا و آخرت در امان باشد.

امام علی (ع) می فرماید: «اسعد الناس من عرف فضلنا و تقرب الی الله بنا و اخلص حبنا و عمل بما الیه ندبنا و انتهی عما عنه نهینا فذاک منا و هوفی دار المقام معنا»؛^{۵۲} خوشبخت ترین مردم کسی است که فضل و مقام ما [اهل بیت] را بشناسد و به وسیله ما به خدا نزدیک شود. و در دوستی ما یک دل و مخلص باشد و به آنچه ما بدان فراخواندیم عمل کند و از آنچه ما بدان نهی کردیم دست بردارد. چنین کسی از ماست و در سرای ماندگاری - بهشت - با ماست.

مراد آن که اشتغال تنها به نماز و روزه و ظواهر شریعت، وقتی همراه با تمسک به ولایت امیر المؤمنین^(ع) نباشد برای انسان نفعی نخواهد داشت. لذا لازمه رسیدن به سعادت اخروی دستیابی به حقیقت ولایت است، که در واقع میوه و حاصل درخت ایمان و نبوت است، ریشه آن در دنیا قرار گرفته و شاخ و برگش در قیامت.

پیامبر اکرم^(ص) خطاب به امیر المؤمنین^(ع) می فرمایند: «ان السعيد حق السعيد من احبك و اطاعك»^{۵۳}؛ خوشبخت حقیقی کسی است که تو را دوست بدارد و اطاعتت کند. آثار اخروی: این موضوع جای تردید نیست که این دنیا جای پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران به طور کامل نیست؛ زیرا که با چشم خود می بینیم چه بسیار افرادی که سر از فرمان خدا و خرد می پیچند و متنعم و بهره مند از انواع نعمت ها و لذات دنیوی می باشند. و در مقابل چه بسیار موحدانی که در فقر، بیماری، محرومیت و یا انواع گرفتاری ها زندگی می کنند. پس باید گفت معنی و مصداق واقعی حسن عاقبت، خوشبختی و سعادت اخروی و بهره مندی از نعمات الهی در آخرت است که از لحظه مرگ آغاز و تا سفر به برزخ و قیامت و ورود به بهشت ادامه دارد. ^{۵۴}

۱. مرگ خوب: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (الفجر، ۸۹/ ۲۷ و ۲۸)؛ تو ای روح آرام یافته، به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است.

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (النحل، ۱۶، ۳۲)؛ همانان که فرشتگان - مرگ - روحشان را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه اند به آنها می گویند: سلام بر شما، وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید.

۲. ملاقات با اولیای خدا: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا» (النساء، ۴/۶۹)؛ کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند همنشین کسانی خواهد بود که خدا بدانها نعمت داده. از پیامبران و صدیقان و شهداء و صالحان و آنها رفیقان خوبی هستند.

۳. وجود امنیت، سلامت، زوال کینه، عداوت و خیانت: «ادْخُلُواهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» * وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ * لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا

بِمُخْرَجِينَ» (الحجر، ۴۶/۱۵-۴۸)؛ فرشتگان الهی به آنان می گویند داخل باغ ها شوید با سلامت و امنیت هر گونه غل (حسد، کینه، عداوت، خیانت) از سینه آن ها بر می کنیم در حالی که همه برادرند و بر سریرها رو بروی یکدیگر قرار دارند، هرگز خستگی، تب و رنج به آن نمی رسد.

۴. لذت مناجات با خدا و غرق در جمال و جلال او بودن: «دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجَهُمْ مِنْهَا دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (یونس، ۱۰/۱۰)؛ گفتار آنها در بهشت این است که: خداوندا، منزهی تو و تحیت آنها در آنجا؛ سلام و آخرین سخنان شان این است که: حمد مخصوص خدا، پروردگار جهانیان است.

۵. لذات جسمانی: باغ های مملو از درختان خوشبو و سایه دار - انواع خوردنی ها و پوشیدنی ها، همسران پاک، زیبا و همسر دوست، انواع زینت ها و خادمان و غلامان. ۵۵
«إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا* وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا* وَكَأَسَا دِهَانًا* لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا* جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا» (النبأ، ۳۱/۷۸-۳۶)؛ مسلماً برای پرهیزگاران نجات و پیروزی بزرگی است. باغ های سرسبز و انواع انگورها و حوریانی بسیار جوان و هم سن و سال و جام هایی لبریز و پیایی در آن جا نه سخن لغو و بیهوده ای می شنوند و نه دروغی. این پاداشی است از سوی پروردگارت و عطیه ای است کافی.

۶. جاودانگی این نعمات: «وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ» (الحجر، ۴۸/۱۵)؛ آنان هرگز از بهشت اخراج نمی شوند. «خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ» (هود، ۱۱/۱۰۸)؛ جاودانه در بهشت خواهند ماند تا آسمان ها و زمین پا برجاست؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد. بخششی است قطع نشدنی.

جاودانگی نعمات بهشتی خود عامل معنوی بزرگی برای لذت بردن است، زیرا هر نعمت و لذتی اگر دوامی نداشته باشد و انسان آینده نگر، دل مشغولی از دست دادن آن را داشته، لذا آن نعمات و لذات، خاص و ناب نخواهد بود، پس دائمی بودن آنها سبب می شود انسان ها نسبت به آینده خود اطمینان داشته باشند. «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (الزخرف، ۴۳/۷۱)؛ در بهشت آن چه دل ها می خواهد و چشم ها از آن لذت می برد موجود است و شما در آن ماندگارید.

۷. قرب و جوار الهی و رضایت طرفینی: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

(المائده، ۱۱۹/۵)؛ خدا از بهشتیان راضی و آنان از خداوند، این رستگاری بزرگی است.

نتیجه گیری

از مجموع مباحثی که در این تحقیق بررسی شد، نتایج زیر به دست آمد:

۱. حسن عاقبت به معنای سرانجام نیکو و عاقبت به خیری و سوء عاقبت به معنای سرانجام بد بیان شده است.

۲. انسان ها در یک تقسیم به طور کلی به چهار گروه تقسیم می شوند: الف: کسانی که از ابتدا تا انتهای زندگی در صراط مستقیم و مسیر درست حرکت کرده اند. ب: کسانی که از ابتدا تا انتهای زندگی در مسیر گمراهی و ضلالت حرکت کرده اند. ج: کسانی که در ابتدای زندگی در مسیر ضلالت بوده اند و سپس هدایت یافته و در صراط مستقیم و مسیر درست حرکت کرده اند. د: کسانی که در ابتدای زندگی در مسیر هدایت بوده و سپس در مسیر ضلالت و گمراهی گام برداشتند.

۳. سعادت اگر چه نتیجه حسن عاقبت و شقاوت نتیجه سوء عاقبت است، اما این واژه ها طوری در متون دینی ما به یکدیگر پیوند خورده است، که تقریباً تفکیک آنها از هم محال یا حداقل بسیار دشوار است، لذا می توان به این همانی - یگانگی - مفهومی حسن عاقبت با سعادت و سوء عاقبت با شقاوت حکم کرد.

۴. سعادت و شقاوت هر دو به دنیوی و اخروی تقسیم می شوند، و آنچه با حسن عاقبت متناسب است، در حقیقت همان سعادت اخروی است. و آنچه با سوء عاقبت متناسب است، شقاوت و بدبختی اخروی است.

۵. احادیث باب حسن عاقبت و سوء عاقبت به دو دسته تقسیم می شوند: الف: احادیث تفسیری. ب: روایات مستقل.

۶. در برخی از روایات، حسن عاقبت به آخرین لحظه زندگی انسان در دنیا موکول شده است. اما در برخی از روایات حسن عاقبت پس از حسابرسی می باشد. بنابراین ممکن است، کسی با اعمال صالح و عقاید صحیح از این جهان رخ بر بندد، اما چون حق الناس به گردن دارد در تبادل حسنات و سئئات با طلبکار، دچار سوء عاقبت گردد. پس برخی از این

گروه روایات باید با توجه بر آیاتی چون: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (الزلزلة، ۹۹/۷-۸)^{۵۶} مورد توجه قرار داد؛ زیرا دایره اجراء و دریافت پاداش را سعه یا ضیق می سازد. پس حسن عاقبت واقعی را باید با در نظر گرفتن همه این روایات معنا کرد.

۷. در روایات معصومان(ع) ابواب مستقلی در باب حسن عاقبت و سوء عاقبت آمده است.

۸. پیامبر اکرم(ص) و معصومان(ع) در ادعیه فراوانی از خداوند حسن عاقبت را مسألت کرده اند و از سوء عاقبت به خدای سبحان پناه برده اند.

۹. عوامل حسن عاقبت در حقیقت همان موانع سوء عاقبت است، چنان که عوامل سوء عاقبت همان موانع حسن عاقبت است.

۱۰. عوامل و اسباب عمده حسن عاقبت به دو قسم کلی قابل تقسیم است: قسم اول: اعتقادات صحیح. قسم دوم: اعمال صالح.

۱۱. اعتقادات صحیح در دین اسلام بسیار است. اما آنچه به عنوان مهمترین اعتقادات مطرح است، اصول دین در نزد شیعه است که عبارت است از: توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد.

۱۲. اعمال صالح هم مانند اعتقادات صحیح فراوان است، آنچه به عنوان مهم ترین اعمال صالح مطرح است، عبارت از: نماز، روزه، حج، جهاد، خمس، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، تولی، تبری، تزکیه نفس، تقوا، ذکر، اخلاص، صبر، زهد، توبه و ایثای حقوق است.

حاصل و سرانجام سخن آن است که هر کس با اعمال و رفتار و کردار خویش، سرانجام و عاقبت خویش را می سازد و همه انسان ها مسئول سرنوشت و عاقبت خویش هستند و این ادعا هم با مباحث عقلی قابل بررسی است و هم با دلایل نقلی و دینی و از آنجا که بشر ناقص است احتمال خطا و اشتباه در آن می باشد. مفاهیم والای الهی و اسلامی برای همه اندیشمندان کفایت می کند. برای دستیابی زندگی اخلاقی و معنوی تر کوشش نمایند و فردای خود را بسازند و از دل بستگی های دنیوی رهایی یابد و در آسمان آرامش و امن الهی پرواز کنند.

۱. الرد، ۱۳/۲۲-۲۴.
۲. النبأ، ۷۸/۳۱-۳۶.
۳. الرد، ۱۳/۱۹.
۴. مجمع البحرين، ۶/۳۲۵.
۵. لسان العرب، ۱۳/۱۱۴.
۶. همان.
۷. الاحزاب، ۳۳/۵۲؛ العنكبوت، ۲۹/۸.
۸. مجمع البحرين، ۶/۲۳۲.
۹. المفردات، ۲۳۵.
۱۰. لسان العرب، ۱/۶۱۱.
۱۱. الزخرف، ۴۳/۲۸.
۱۲. الكهف، ۱۸/۴۴.
۱۳. الرد، ۱۳/۲۲.
۱۴. القصص، ۲۸/۸۳؛ الرد، ۱۳/۲۲.
۱۵. معانی الاخبار، ۳۴۵.
۱۶. ص، ۳۸/۱۴؛ الرد، ۱۳/۳۵.
۱۷. معانی الاخبار، ۳۴۵.
۱۸. الشوری، ۴۳/۱۱۸؛ ابراهیم، ۱۴/۱۵.
۱۹. قاموس قرآن، ۵/۲۰۱.
۲۰. الاحزاب، ۳۳/۷۱؛ المائده، ۵/۱۱۹.
۲۱. زمر، ۳۹/۶۱.
۲۲. به سوی جهان ابدی/۴۹۶.
۲۳. تفسیر نمونه، ۲/۵۹۵.
۲۴. تجسم اعمال/۲۰۱. ر. ک: به سوی جهان ابدی/۵۰۷.
۲۵. الکافی، ۲/۳۱۸.
۲۶. نهج البلاغه/۱۳۸/خ/۱۹۱.
۲۷. الدر المنثور، ۴/۵۷.
۲۸. تفسیر نور الثقلین، ۲/۵۰۱.
۲۹. البرهان فی تفسیر القرآن، ۳/۲۵۴.
۳۰. تفسیر نور الثقلین، ۲/۵۰۱.
۳۱. من لایحضره الفقیه، ۴/۴۰۲.
۳۲. تفسیر القمی، ۱/۲۹۰.
۳۳. توحید صدوق/۳۷۱.
۳۴. کنز العمال، ۱/۱۲۴؛ الرقم ۵۸۹.
۳۵. مسند احمد بن حنبل، ۳/۴۲۴؛ سنن النسائی، ۶/۱۵۶.
۳۶. الصحیفة العلویة/۴۰۵/دعای روز سوم ماه.
۳۷. مهج الدعوات ومنهج العبادات/۴۹.
۳۸. صحیفة سجادیه، دعای ۳۳/۱۵۶.
۳۹. مسند الامام رضا(ع)، العطار دی، ۲/۲۴۰.
۴۰. تفسیر نمونه، ۱۳/۱۰۶.
۴۱. عیون أخبار الرضا(ع)، ۲/۴/۸.
۴۲. حقایق جاودانه در حیات انسان ها «وین دایر»/۸.
۴۳. معانی الاخبار/۳۴۵.
۴۴. تفسیر نمونه، ۲۵/۷۲-۷۳.
۴۵. بعد از مرگ بر ما چه می گذرد/۲۴۰.
۴۶. غرر الحکم و درر الکلم، ۲/۴۴۱/ک/۳۲۱۸.
۴۷. وقعة صفین/۱۰۸.
۴۸. غرر الحکم و درر الکلم، ۵/۲۵۸/ک/۸۲۴۶ و ۸۲۴۷.
۴۹. بعد از مرگ بر ما چه می گذرد/۲۴۳.
۵۰. غرر الحکم و درر الکلم، ۲/۲۳۹/ک/۲۴۷۹.
۵۱. تحف العقول عن آل الرسول/۳۶۴.
۵۲. غرر الحکم و درر الکلم، ۲/۴۶۱/ک/۳۲۹۷.
۵۳. امالی شیخ طوسی/۴۲۶.
۵۴. جهان به سوی ابدیت/۱۲۹.
۵۵. واقعه، ۵۹/۱۵-۳۷.
۵۶. ترجمه آیه: پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند، و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می بیند.